

کیفر سرشت

انسان که از پروردگار و نظام و راهنمایی خداوند گاردوری گزید ... انسان که خود را پرستید و هوای خویش را خدای خویش گرفت ..

انسان که خود را نشناخت و بی‌راهنما دروادی حیرت به افت و خیز پرداخت و سیستم زندگی خود را بر پایه این نادانی و این هواپرستی برپای داشت و در گرما گرم دوری از پروردگار و سرشت و سیستم الهی، بر سرشت خویش نیز که خدایش بر آن سرشته بود تجاوز برد ...

انسان که تکریم خدا را نسبت بخود بدور افکند. و خود را حیوان شناخت. و خود را ابزار دانست. و ابزار را همچون خدایی شناخت که بدلخواه بر او حکم میراند. و ماده را خدایی شناخت که بدلخواه بر او فرمان میراند. و اقتصاد را خدایی شناخت که بدلخواه بر او فرمان میراند ...

در حالیکه خدا «انسان» ش و مهندس ابزار و فرمانروای بر ماده و اقتصادش خواسته بود.

ولی انسان اینهمه تکریم و احترام را کنار گذاشت تا از کلیسا نجات یابد و از خدایی کلیسا دور شود!

انسان که اذن حیوانی لطیف و از مرد حیوانی خشن ساخت و هدف آمیزش و پیوستگی آنها را تنها بهره وری و کامجویی دانست و فراموش کرد که خدا رابطه جنسی را در مرتبه‌ای عالی و رفیع قرار داده و پیوندی پاک دانسته که از یک سو دوام حیات و از سوی دیگر پیشرفت زندگی و حرکت عرابه تمدن انسانی را بدان منوط و مربوط کرده که از خانواده، جایگاهی برای تربیت آینده و از زن پاسداری برای تولید ماده گرانبهای انسانی ساخته و ویرا از گرایش بافتال بگونه‌ای که تنها ابزار لذت مرد گردد محافظت کرده، و او را که در خانه بتولید و پاسداری ماده «انسان» می‌پردازد از اشتغال بتولید مواد در کارگاه معاف داشته است ...

انسان که ویژگیهای انسانی خود را تمطیل کرد تا نیروی خود را در تولید ماده محصور کند، او که حیات خود را بر اساسی مادی و تصویری مادی قرارداد و زوایای زنده و پراچ و لطیف

احساس خود را منکوب کرده و موهبت‌های خدا را نسبت بخود، بنا بر روی کشید، موهبت‌هایی که بخاطر «انسان» بودن و بخاطر آنکه او آفریده می‌یکدانه است، که مجموعه‌ئی از اضعاف را در نظام و نسق بدیع و شکفت خود فراهم آورده کرامت شده بود.

انسان که نظام زندگی خود را بر اساس ربا خواری گذاشت تا کلیه خانواده های بشری برای خدمت به چند هزار بانکدار و دارنده مراکز مالی ربا خواری رنج برند و دسترنج افراد بشر در اقصی نقاط جهان بآنهائی برگردد که در پشت تجارتخانه های بزرگ و نظریات اقتصادی و مجموعه‌ئی از وسائل تبلیغاتی، در لاک خود پنهان شده‌اند ...

و بالاخره ... انسان که خدایانی بجز خدا برای خود گرفت : از مال و ثروت ، خدا ساخت ، از هوی و هوس خدا ساخت ، از ماده خدا ساخت ، از تولید خدا ساخت ، از سرزمین خدا ساخت ، از نژاد خدا ساخت ، و از قانونگذاران خود نیز خدایانی ساخت ، تا آنها ، این حق ویژه خدا را غصب کنند و بدینسان حق الوهیت را نیز که ویژه خداست غاصبانه در اختیار گیرند ...

انسان همه این خداها را ساخت و پرستید تا از خدا بگریزد و از پرستش اوسر باز نهد انسان که همه اینکارها را بخود کرد ، بناچار باید « کیفر سرشت » را بچشد و جریمه مخالفت با فریاد عمیق فطرت را بپردازد ، جریمه ئی کمر شکن ، کوبنده و نابودکننده ...

و چنین شد ...

و چنین شد : انسان ، این جریمه را از جان ، از اعصاب ، از بدن ، از سلامتی ، از آرامش ، از مواهب ، از ویژگیها ، از دنیا و از آخرت خود پرداخت .
انسان این جریمه را ، بخصوص در میان مللی که باوج تمدن مادی رسیده‌اند ؛ بصورت این کمبودها پرداخت :

کمبود ویژگیهای انسانی که طنین انداز بازگشت به دوران بربریت است ، کمبود اندازه هوش و سطح عقل و بدنبال آن خطر فروریختن اساس علم که تمدن بر آن استوار است و بالاخره فروریختگی خود تمدن و از همه بالاتر خطر انقراض نسل ..

آثار درهم کوبیدن نیروها که تکنیک باروش کنونی خود بدان نیازمند نیست با آثار دلهره ای که نسبت به آینده در اجتماع مادی مشرف بسقوط وجود دارد ، آثار فروریختگی روحی که مقتضای فلسفه ها و قوانین در تمدن کفر آمیز کنونی است ، آثار اینهمه بصورت امراض عصبی و عقلی و روانی و بلاهت و جنون و کمبود و انحراف و بز هکاری پدیدار گشته است .

هم چنین آثار تبلیغ مدام درباره آنکه انسان حیوان است و مادی است و جنبه منفی دارد و نیز آثارها ساختن شهوات و غرایز او از هر گونه ضابطه و قانون ، آثار اینهمه بصورت انحلال ،

بی‌مبالاتی، منفی‌باقی، پذیرش دیکتاتورها و زندگی کله واریکه هدفی جز آمیزش و باروری و خوردن و آشامیدن ندارد جلوه گرفته است.

و بدینسان، خاندان بشری سرسرملازم شده است که این تاوان کمرشکن، قاطع و سنگین را بصورت جنگهای وحشتناک بامیلیونها قربانی ازگشته و زخمی و ناقص العضو و آسیب‌رسانیده و آزاردیده پردازد و با بحرانهای پیاپی روبرو شود؛ بحران، بهنگام کمبود تولید، بهنگام تمایل میزان تجارت به فراوانی، بحران بهنگام کمبود محصول، بحران بهنگام افزایش محصول، بحران بهنگام کمبود نسل و بحران بهنگام افزایش نسل. و این همه توأم با سرگشتگی، از اینسو و سرگشتگی از آنسو. و توأم با دلهره و حیرت و اضطراب و بی‌قراری...

و این همه توأم با فشار توان فرسائی که به اعصاب مردم وارد می‌شود و بر اثر سکنه و خونریزی مغزی می‌میرند، به فلج مبتلا می‌گردند، دیوانه می‌شوند و این همه بگونه‌ای انجام می‌گیرد که گوئی نیروهای افسانه‌ای دیوها از آنجا که مردم گمان نبردند بر آنان چیره شده ولی درحقیقت چیزی جز «نفس» شان بر آنان مسلط نشده و این نیست جز انجام تهدید الهی که دل و گوش بدان نگشودند:

هر که نعمت خدا را پس از آنکه بسویش آمده دگرگون سازد خدا سخت کیفر است (۱)

هر که کفر را بجای ایمان گیرد راه صاف را گم کرده است. (۲)
برایشان داستان کسی را برخوان که آیاتمان را بدو دادیم و از آنها جدا گشت و شیطان دنبالش کرد و او در شمار گمراهان شد و اگر میخواستیم او را بدان آیات بلندی میدادیم ولی او زمین چسبید و از هوای خود پیروی کرد پس سگ را ماند که اگر باو حمله بری پارس کند و اگر هایش سازی پارس کند (۳)

آنها که رباخوردند (از قبر) بر نخیزند جز مانند کسی که شیطان او را دیوانه کرده باشد. این از آنروست که ایشان گفتند: خرید و فروش هم مانند ریاست درحالی که خدا خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده - پس برای هر که از سوی پروردگارش موعظه می‌آید و او (از ربا) خودداری کند، گذشته بسود خودش و حکمش با خداست و آنکه بازگشت کند، ایشان دوزخیانند که در آن جاودانند خدا ربا را بی‌بار و صدقات را بارور سازد و خدا کافر پیشکان گناهکار را

۱- ومن یتبدل نعمة الله من بعد ما جائته فان الله شديد العقاب. (سورة البقرة آیه: ۲۱۱)

۲- ومن یتبدل الکفر بالایمان فقد ضل سواء السبیل. (سورة البقرة آیه: ۱۰۸)

۳- و اتل علیهم نبأ الذی آتیناه آیاتنا فانسلخ منها فاتیعه الشیطان فکان من الفاوین

ولوشنأ لرقمنأ بها ولكنھ اخلد الی الارض و اتبع هواه فمثله کمثل الکلب ان تحمل علیھ یلوث و اتقرکه یلوث. سورة اعراف ۱۷۵.

دوست ندارد (۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای خدا داشته باشید و اگر مؤمنید از این پس ربا نخورید و اگر چنین نکردید بخدا و پیغمبر اعلان جنگ دهید (۵)
بعضی سوگند آدمیان زیان کنند مگر آنان که ایمان آرند و کارشایسته کنند و یکدیگر را بحق سفارش کنند و یکدیگر را به صبر سفارش کنند (۶)

اکنون بنقل گفتار کسانی می پردازیم که بظهور و بروز آثار تمدن مادی و تراکم این آثار در ملت‌هایی که باوج تمدن رسیده اند گواهی داده اند ، تا از این رهگذر عناصر چهارگانه این گرفتاری را - بطوریکه در مقدمه این بحث بدان اشاره کردیم - بطور کامل بیان کرده باشیم :

ما گواهان خود را از میان افرادی انتخاب کرده ایم که دارای درجات متفاوت و محیط‌های مختلف بوده اند : یکی دانشمند است و محقق و مؤمن بعلم و در مواجبه با گرفتاری تمدن ، تنها بعلم اعتماد میکند و نه چیز دیگر ، یکی فیلسوف است و ایمان بدین ندارد و معذک در شعاع عقل خطری را که بشریت دارد در آن سقوط میکند ، می بیند ، یکی جستجوگر است و بدین عقل و علم و فطرت آدمی یکجا ایمان دارد و در عین حال ، موقعیت هر یک را در قلمرو معرفت و قلمرو بررسی ، می شناسد . دیگری خانم طبیبی است که اندازه جدی بودن مسئله را می شناسد و بدان جدیت که شایسته آنست برریش می کند ، یکی روزنامه نگار است و کاری جز این ندارد که مسئله را در روزنامه خود بمردم عرضه دارد و به تشویق و تحریص پردازد .
ما بهمین گواهیها بجای ده ها نمونه آن اکتفا کرده ایم زیرا نمیتوان در یک فصل از یک کتاب همه گواهان را فراخواند و گواهی همگان را بنگارش کشید .

(دنباله بحث را در شماره آینده مطالعه فرمائید)

۴- الذین یا کلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا و احل الله البیع و حرم الربا فمن جاءه موعظة من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله و من عاد فواکف اصحاب النار هم فیها خالدون یمحق الله الربا و یربى الصدقات و الله لا یحب کل کفارائهم . (سورة البقره آیه - ۲۷۶-۲۷۵)

۵- یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا ان کنتم مؤمنین فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله ، (سورة البقره آیه : ۲۷۹- ۲۷۸)

۶- و المران الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر . (سورة المصبر)